

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۱۴ می ۲۰۱۶

کودتاهای "دموکراتیک" در امریکای لاتین،

سیاست ستراتیژیک نوین امپریالیسم امریکا

امریکای لاتین محل تاخت و تاز بی شرمانه امپریالیسم امریکاست. این امپریالیسم تا توانسته برای حفظ و موقعیت اقتصادی و سیاسی خویش در این قاره به جنایت، کودتا، تجاوز مستقیم، خرابکاری و فشار دست زده است. حکومت‌های ممالک امریکای لاتین یا نوکران مستقیم دست به سینه و عمال امپریالیسم امریکا هستند و یا چنانچه از استقلالی برخوردار باشند، همیشه آماج خرابکاری و محاصره اقتصادی این امپریالیسم یک‌ه تاز قرار داشته و دارند.

کوبای انقلابی که توانست در مبارزه با امپریالیسم امریکا استقلال خویش را حفظ کند، بیش از ۶۰ سال است که به صورت ضد انسانی و غیر قانونی در محاصره اقتصادی امپریالیسم امریکا قرار دارد. روزی نیست که امریکا به خرابکاری در امور اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تبلیغاتی و حتی تلاش برای ترور رهبران کوبا، که قتل عمد است، دست نزنند. امریکا در طول قرن بیستم تا به امروز مدافع همه حکومت‌های کودتایی در چیلی، برزیل، آرژانتین، گواتمالا، اکوادور، مکزیک، بولیوی، نیکاراگوئه، پاراگوئه، پاناما و ونزوئلا و... بوده است. این کشور غارتگر هرگز نمی تواند وجود حکومت‌های ملی و مترقی در امریکای لاتین را که از جانب آنها برای خود خطری حس می کند، تحمل نماید. امریکای لاتین برای امریکا یک ارزش ستراتیژیک نظامی نیز دارد، زیرا در شرایط جنگی، خطر صدمه پذیری از جبهه جنوبی خویش را منتفی می گرداند.

اخیراً با حضور و تلاش‌های امپریالیسم چین در جهان و سیاست توسعه طلبانه آرام و بدون سرو صدای وی، امپریالیسم امریکا با رقیبی سرسخت در امریکای لاتین روبه رو شده است. چین با نفوذ در این قاره به تلاش‌های خویش در نیکاراگوئه برای ایجاد یک تنگه جدید اتصال اقیانوس اطلس به آرام، به موازات تنگه موجود پاناما، ادامه می دهد، که در صورت تحقق آن به یک باره از اهمیت تنگه پاناما که زیر نفوذ امپریالیسم امریکاست، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر نظامی و سیاسی، با شتاب فزاینده کاسته می گردد و نفوذ چین را در امریکای لاتین افزایش خواهد داد. در کنار این یورش چین به امریکای لاتین، ما با تلاش این کشور برای تضعیف ارزش کاذب دالر و کاهش نفوذ دالر در امریکای لاتین روبه رو هستیم که در شکل نفوذ چین در اتحادیه کشورهای بریکس (برزیل، روسیه، هندوستان، افریقای جنوبی، چین) بازتاب می یابد. امپریالیسم چین تلاش دارد با دور زدن نفوذ دالر به تجارت پایایی و یا استفاده از یک ارزش پولی مورد توافق در این ممالک بپردازد که به شدت از نفوذ و نظارت ارتباطات مالی جهانی امریکا کاسته می شود. برای امریکا فروپاشی ارزش دالر که پایان ابزار سلطه گری و غارت سایر ممالک است، قابل پذیرش نیست. این

عوامل باعث شده است که امپریالیسم امریکا به مبارزه بی امان و مستمری علیه موارد برشمرده دست بزند. کودتاهای "دموکراتیک" و هجوم تبلیغاتی و فرهنگی برای بی اعتباری این حکومتها، از زمره ابزارهای است که امریکا در زیر شعارهای عامه پسند، همراه با طرحهای انقلاب مخملی به کار می گیرد.

حکومت‌هایی که در امریکای لاتین بر سر کار می آیند و معمولاً به عنوان حکومت‌های "چپ" مشهوراند، چیزی بیش از حکومت‌های بورژوازی ملی در این کشورها نیستند، آنها آن بخش از بورژوازی سرمایه داری امریکای لاتین هستند که در مقابل تهاجم سیاسی و تا حدودی اقتصادی انحصارات امریکائی مقاومت می کنند. "چپ" بودن این حکومتها نه از این نظر است که آنها خواهان حکومت‌های کارگری و سوسیالیستی در این ممالک هستند، بلکه تنها از این نظر است که آنها خواهان آنند که نفوذ امپریالیسم امریکا و کنسرنهای امریکائی از شریانهای اقتصادی این کشورها کاسته شود و عدالت اجتماعی بدون از بین بردن مناسبات حاکم سرمایه داری در این ممالک مستقر شود و آنها قادر باشند بدون فشارهای امریکای شمالی به اتخاذ تصمیمات سیاسی مستقل دست بزنند. آنها خواستار مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید از طریق استقرار دیکتاتوری پرولتاریا بر مبنای یک انقلاب قهرآمیز سوسیالیستی نیستند، بلکه بر این پندارند که می توانند استقلال ملی کشور خویش را در مماشات با امپریالیسم و کنسرنهای امریکائی و فشار بر آنها حفظ کنند.

در اینجا اضافه کنیم که حکومت‌های بر سر کار در این کشورها، حکومت‌های بورژوائی بوده و به نسبت دوری و یا نزدیکی آنها به اقشار و طبقات تحتانی جامعه و طبقه کارگر، بیشتر و یا کمتر در فساد و کسب امتیازات شخصی و خانوادگی غوطه ورنند. پاره ای از آنها راه حل برای نابودی فقر را، نه در کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و تغییر مناسبات تولیدی حاکم، بلکه در مساوات طلبی خرده بورژوائی و توزیع ثروتهای جامعه بدون توجه به لزوم توسعه تولید و ثروت افزائی می بینند. هیچ حکومت بورژوائی خالی از فساد و رانت خواری خویشاوندی نیست. امپریالیسم امریکا نیز با توجه به نفوذی که سالها در این ممالک داشته و از نقاط ضعف این دولتها آگاه است تلاش می کند از این نقاط ضعف بورژوازی برای کسب تمام قدرت در دست خویش سوء استفاده نماید. امریکا تلاش دارد که رهبران این کشورها را بخرد و یا برای آنها پرونده سازی کند، تا همواره عوامل مطیع آنها باشند. امپریالیسم برای نیل به مقاصد خود با یک برنامه ریزی طولانی، با استفاده از تزلزل خرده بورژوازی و خرابکاری سرمایه بزرگ و انحصاری و نفوذ تاریخی کنسرنهای امریکائی وارد کارزار می شود.

نمونه و نزولای انقلابی به ما نشان می دهد که سرمایه داری وابسته به کنسرنها از طریق احتکار مواد غذایی و نیازمندیهای عمومی مردم و از طریق محاصره اقتصادی امریکا تلاش می کنند با ایجاد تزلزل روحی به ویژه در میان قشر خرده بورژوازی متزلزل، زمینه تغییر از درون را فراهم آورند. سیاست امریکا که آن را در بولیوی، ارجنتاین، برزیل به کار برده است، عبارت است از تبلیغات گسترده و پخش اکاذیب و جعلیات برای ایجاد یک فضای مسموم و نامطمئن، بسیج توده های ناراضی بر گرد پاره ای مسایل درست و بیشتر نادرست و جعلی با زور تبلیغات و تشویش عمومی. آنها در قوه قضائیه و مقننه نفوذ می کنند تا از طریق عوامل خود در این قواء و یا استفاده از نقاط ضعف این قواء، راه بی اعتبار کردن حکومتها را پیدا کنند. آنها مطبوعات و خبرنگاران از قبل خریداری شده را همراه با قضات دستگاه دادگستری و مراجع مشکوک حقوق بشر و... به میدان می فرستند تا با خرابکاری دائمی و ایجاد تزلزل در یک انتخابات "دموکراتیک" به مقاصد خود نایل شوند. اوپاما به عنوان سخنگوی کودتاهای "دموکراتیک" نخست سیاستهای کودتاگرانه نظامی امریکا در این کشورها را بدون ترس مورد انتقاد قرار می دهد و سوگند یاد می کند که از این دخالتها در آینده در امریکای لاتین پرهیز کند. انتقاد اوپاما طبیعتاً بعد از سالها جنایت و غارت عمالش در این کشورها، بعد از گذشت سالها از مرگ این مستبدان و همکاران و همدستان امریکائیها، طبیعتاً کبریت بی خطر است. ده ها سال پس از

جنایات پنبوشه ها، ویدلاها و... دیگر نمی شود کسی را به مجازات اعمالش رسانید. ولی همین اشاره به این جنایات امریکائی ها در گذشته خود گویای تدارک جنایات بعدی است که انتقاد از خود امپریالیسم امریکا، گرد و خاک کردن و حرکت نخست مهره این بازی جدید سیاسی است.

آنها با پخش جعلیات در مورد سرپوش گذاردن حکومت ارجنتاین در دست داشتن حکومت جمهوری اسلامی ایران در ترور یهودیان، علیه حکومت ارجنتاین، توسط عمال خود در دستگاه دادگستری، به تبلیغ برخاستند و مطبوعات مزدور با تکیه به "آزادی های بی قید و شرط" این جعلیات را به افکار عمومی بدل ساختند، آنها عوامل خود را به خیابانها آورده و ثروتهای دولت ارجنتاین را در بانکهای خارجی مسدود نموده و حتی یک دادگاه نیویورک مانع از پرداخت ۵۳۹ میلیون بدهکاری به دولت ارجنتاین شد به این بهانه که دولت ارجنتاین حاضر نیست به فشار "هج فوندها" (سرمایه داران بورس باز که به قمارهای پر خطر در بورس دست می زنند-توفان) تن در دهد که در زمان ورشکست کردن دولت ارجنتاین، آنها اغلب اوراق قرضه های دولتی را به بهای نازل غصب کرده و حاضر نشدند و نیستند تابع تصمیم اصلاحات ارزی، مالی و بانکی دولت ارجنتاین شوند. دولت ارجنتاین این عمل دولت امریکا را نقض حق حاکمیت کشورش دانست و به دیوان عالی لاهه شکایت کرد. امپریالیسم امریکا به قدری به این تحریکات ادامه داد و خرابکاری کرد تا توانست با اعمال نفوذ در انتخابات با انجام یک "کودتای دموکراتیک" عامل خود را بر سرکار آورد. با روی کار آمدن آقای "ماریسو ماسری" (Mauricio Marci) تمام ثروتهای مسدود دولت ارجنتاین آزاد شد و وضعیت اقتصادی تا حدودی تکان خورد. اما با انتشار اسناد پاناما، کاشف به عمل آمد که این مهره پاک و منزله دست نشاندۀ امریکا به اختلاس مالیاتی دست زده و با دزدی و غارت، ثروتهای خویش را از طریق پاناما استتار کرده است.

همین روش را امریکائی ها در ونزوئلا و بولیوی و برزیل و ... به اجرا گذاردند. در بولیوی تا کنون این طرح با شکست روبه رو شده است، ولی در ونزوئلا با جعل اخبار و اعمال فشارهای اقتصادی و سیاسی، انجام احتکار مواد غذایی توسط کنسرنها و سرمایه داران کلان و تنزل بهای نفت در بازار جهانی، به موفقیتهایی روبه رو شده اند که با کسب سنگرهای جدیدشان به خرابکاری ادامه می دهند. در همه این ممالک طبقات متمکن و بالای جامعه مشوق و موتور ایجاد آشوب و تزلزل هستند که توانسته اند بخشی از اقشار بالای طبقه متوسط و خرده بورژوازی ناراضی را به انواع حیل بسیج کنند. در برزیل که بزرگترین کشور امریکای لاتین بوده و عضو سازمان بریکس است، به هر وسیله ای برای اعمال نفوذ حتی از طریق خریدن سیاستمداران و یا تهدید آنها دست می زنند. خانم روسف که به عنوان بخشی از طبقه بورژوازی برزیل حتماً در فسادهای معمولی برزیل و مزایای حکومتی، مانند همه ممالک این چنینی دست داشته است، حال باید با انگشت اتهام مشتی راهن که چهره های ملکوتی به خود گرفته اند روبه رو شود. معاون وی که در صورت سلب مقامش توسط مجلس خودفروخته به جای وی رئیس جمهور می شود خود تحت اتهام و پیگرد به علت آلوده بودن به فساد مالی است و از پرونده قطوری برخوردار است. حال این عنصر فاسد لباس نهی از منکر و امر به معروف را به تن کرده است و به ضد خانم ویلما روسف در مجلس تحریک می کند. وی عضو حکومت و معاون ریاست جمهوری است؟.

برای امپریالیسم امریکا درجه فساد و یا جنایتکاری رهبران این کشورها مهم نیست. گوش به فرمان بودن آنها مهم است و برزیل کشوری نیست که از نظر سیاسی زیر سلطه امپریالیسم امریکا باشد. خبر گزار ایسنا در تاریخ ۲۵ فروردین [حمل] ۱۳۹۵ از زبان خانم روسف تحت عنوان "رئیس جمهور برزیل معاونش را به کودتا علیه خود متهم کرد" نوشت:

"رئیس‌جمهوری برزیل در آستانه استیضاح در کنگره که برای یکشنبه آتی برنامه‌ریزی شده، علناً معاون خود را یک "خانن و کودتاچی" توصیف کرد که برای رسیدن به قدرت تلاش می‌کند. افشای سخنرانی جنجالی معاون روسف که برای بعد از عزل رهبر برازیلیا آماده شده بود، ابعاد تازه‌ای به بحران سیاسی این کشور داده است. به نقل از خبرگزاری فرانسه، دیلما روسف، رئیس‌جمهوری برزیل در سخنرانی تند خود گفت: اگر تاکنون تردیدی وجود داشت که تمام اعتراضات به من یک کودتاست، الان دیگر چنین شکی وجود ندارد. اشاره روسف به درز سخنان میشل تمر، معاون رئیس‌جمهوری برزیل بود که در آن وی در حال تمرین کردن یک سخنرانی برای زمانی است که روسف استیضاح شده و از قدرت کنار رفته است. پیشتر گفته شده بود که اگر روسف از قدرت برکنار شود، معاون وی تا پایان دوره ریاست جمهوری وی قدرت را به دست می‌گیرد.

روسف عنوان داشت: نقاب توطئه‌گران افتاده است. ما در زمانی عجیب و نگران‌کننده زندگی می‌کنیم؛ زمان طرح‌ریزی برای کودتا و وانمود کردن و خیانت. الان مشخص شده که دو رهبر کودتا با قصد قبلی با یکدیگر کار می‌کنند.

گرچه روسف علناً از هیچ فردی نام نبرد اما اشاره وی به میشل تمر و رئیس مجلس سفلی کنگره برزیل بود. تمر به فرض این که روسف از قدرت کنار می‌رود، مشغول آماده کردن متن سخنرانی احتمالی خودش بوده است. رئیس‌جمهوری برزیل به سختی برای نجات ریاست جمهوری‌اش از اتهامات وارده از جمله دستکاری حساب‌های دولتی برای سرپوش گذاشتن بر روی رکود در دوران انتخابات مجدد سال ۲۰۱۴ تلاش می‌کند.

روز دوشنبه یک کمیته کنگره برزیل به ادامه روند استیضاح روسف رأی مثبت داد و این بدین معناست که یک رأی‌گیری باید در مجلس سفلی انجام شود و اگر نظر آنها هم مثبت بود، رأی‌گیری نهایی در سنا انجام می‌شود. پس از آن روسف برای یک دوره ۱۸۰ روزه و با هدف دادگاهی شدن از قدرت عزل می‌شود و احتمالاً معاون وی جانشین خواهد شد.

رأی‌گیری مجلس سفلی قرار است ساعت دو ظهر روز یکشنبه به وقت محلی انجام شود و احتمالاً نتایج آن عصر همان روز اعلام می‌شود. اگر نظر مجلس سفلی مخالف استیضاح باشد، روسف به کار خود ادامه خواهد داد.

تجارب همه ممالکی که در آنها بورژوازی مستقل سیاسی بر سر کار است، نشان داده است که این طبقه قادر نیست به امر استقلال سیاسی و قطع نفوذ کامل امپریالیسم نایل آید. بورژوازی ملی این کشورها یک پایشان به مالکیت مقدس خصوصی وصل است و ناچارند در تحلیل نهائی از مناسبات سرمایه داری که از آن برخاسته اند، حمایت کنند. سرمایه داری "عادل و منصف" که از استثمار طبقه کارگر شرم داشته باشد در جهان وجود ندارد و توهم محض است. راه پیروزی بر امپریالیسم و دسیسه های سیاسی و اقتصادی اش در این ممالک، تنها با تکیه بر پرولتاریا و زحمتکشان شهر و ده، همراه با خرده بورژوازی انقلابی و توسل به قهر انقلابی برای درهم کوبیدن همه سنگرهای قدرت ارتجاع در نظام حاکم سرمایه داری این ممالک ممکن است. با سرمایه داری و کنسرنهای امریکائی در امریکای لاتین نمی شود، چانه زد، نمی شود مماشات کرد و چپاول نسبی آنها را پذیرفت. فقط قطع نفوذ کامل آنها با تکیه به قدرت توده های ستمدیده مردم و به صورت قهرآمیز با هدف کسب قدرت سیاسی و استقرار سوسیالیسم است که می تواند تنها راه نجات این ممالک باشد که آنها بدون رهبری حزب پرولتاریائی غیر ممکن است

بر گرفته از توفان شماره ۱۹۴ اردیبهشت ماه [ثور] ۱۳۹۵- می سال ۲۰۱۶

ارگان مرکزی حزب کار ایران(توفان)